

مقاله پژوهشی

موانع و فرصت های همگرایی با نظام جهانی بر اساس نظریه آشوب (مطالعه موردی: حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران)

رضا فضلعلی^۱، حسینعلی نوذری*^۲ رضا شیرزادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

چکیده: نقش دولت در توسعه، بستگی به کارآمدی یا ناکارآمدی آن دارد. ملت ایران به دلیل اعتقادی، ارتباطی عمیق با کارگزاران سیاسی خود دارند. زیرا برای جلوگیری از آسیب و استمرار این نقش، نیازمند پویایی است. با این فرضیه که ایران بدنبال همگرایی با همسایگان در محیط بین المللی و در جغرافیای خاص منطقه با منابع فراوان قرار دارد. سوال اصلی این است که رفتار بازیگران چه تأثیری در کشور و دیدگاه دیگر بازیگران و ملت‌ها داشته و میزان موفقیت و توانایی آن چه مقدار بوده است؟ در سطح نظری با کمک از نظریه آشوب جیمز روزنا، به نظر می رسد جامعه ایران با ملاحظه متغیرهای کارآمدی نهادی، افزایش جمعیت، فاصله طبقاتی، اگر تا به امروز نتوانسته به عنوان حکمران خوب در جایگاه واقعی خود قرار بگیرد، بایستی با ایجاد نهادها و احزاب قوی، مدیریت پاسخگو، شفافیت و برنامه‌ریزی کارآمد، بدنبال اتحاد و انسجام ملی و در جهت منافع ملی و تقویت قدرت ملی قدم بردارد.

واژگان اصلی: آشوب، ایدئولوژی، ایران، حمایت، توسعه و سیاست.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

خاورمیانه منطقه‌ای همواره کشمکش‌زا بین بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. از یک سو قدرتهای جهانی تلاش می‌کنند با دخالت و نقش آفرینی منافع خود را تأمین کنند و از سوی دیگر به دلیل چالش‌های منطقه‌ای بین بازیگران داخل خاورمیانه شاهد رقابت، جنگ، تنش‌های ژئوپلیتیک، انرژی و از سویی نیز منازعات ارضی، مرزی و محیط زیستی به این پیچیدگی با سیاست‌گذاری‌ها و ائتلاف‌های مختلف دامن می‌زنند. تنش در ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، افغانستان، بحرین، عراق، عربستان، یمن، لبنان، و حتی ایران و جدیداً قزاقستان نمونه‌های مختلف بحران در خاورمیانه هستند. بحران و آشوب شامل مراحل «پیدایش» (دوره ماقبل بحران)، «گسترش» (اوج و وخامت بحران)، «کاهش» (پایان بحران) و «تأثیر بحران» (مابعدبحران) است (واعظی، ۱۳۹۵: ۳۱۱). تحولات گوناگون در سال‌های اخیر نشان از تلاطمی در جهان دارد که درصدد است تا در اوج قانون‌گرایی، همگرایی، وابستگی متقابل در جهان امروز، همراه با پیشرفت‌های علمی، اطلاعاتی و صنعتی در هوا، دریا و خشکی؛ هیچ قانونی حاکم نباشد. آشوب می‌تواند در درون خود به نظم بینجامد و نظم به طور موضعی از بی‌نظمی در جایی دیگر جوانه می‌زند و بهار دگرگونی چنین آغاز می‌شود. زمانی که ساختاری ظریف و تو در تو مشاهده می‌کنیم شایسته نیست، فوراً نتیجه بگیریم که پیامد یک طراحی است چه بسا که نتیجه ردیفی از مراحل باشد، هر یک بی‌هدف و پرسه زنان به سوی سرنوشت خود، در حالی که جهان در آشوب فرو می‌گلتد. بنابراین بسیاری از دگرگونی‌ها پیامد کارکردهای بی‌هدف آشوب می‌تواند باشد. آشوب، آشکارسازی میان سادگی و پیچیدگی بین نظم و تضاد، حتی نوعی ادراک از جهان و پیش‌بینی آینده در سطوح مختلف نیز می‌تواند باشد. آیا آشوب از قدرت می‌آید؟ زبان آشوب برپایی، تعبیر با نظم در عین بی‌نظمی است؟ رفتاری پایدار و یا ناپایدار است؟ بازخوردهای احتمالی آن چه می‌تواند باشد؟ آشوب وقوع غیرتناوبی رویدادهای به ظاهر تضادفی است. در آشوب، نظم وجود دارد و در نظم، آشوب نهفته است، این دو بیشتر از آنچه فکر کنیم به هم مرتبط هستند (سردار، ۱۳۸۹: ۲۸).

پیشینه مقاله

کتاب «بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحرانها» اثر مایکل برچر (۱۳۹۶) از مراحل بحران و سطوح داخلی و بین‌المللی و الگوی رفتاری و روش برخورد با بحران قبل، بعد و همچنین در زمان گسترش و کنترل و کاهش آن می‌نویسد. او معتقد است که شرایط اوج و فرود بحران‌ها به عواملی

مانند: تنوع تصمیمات، رفتار و احساس تهدید بازیگران در سطوح خرد و کلان دارد. محمدرضا مجیدی و همکاران در کتاب «غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای» (۱۳۸۷) با توجه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی پیشنهاد همکاری سازمانی منطقه‌ای در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، توسعه، امنیت را با کارکردی جهانی عنوان می‌کند. لیکن عابد اکبری و همکارانش در «سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۰) نیز به علت بی‌ثباتی سیاسی و ورشکستگی اقتصادی برخی کشورهای غرب آسیا معتقد است که این کشورها هزینه امنیتی ایران را بالا می‌برند و جایگاه ایران در بلند مدت احتمالاً آسیب خواهد دید، به همین علت اولویت اصلی در عمل و نه در شعار، دیپلماسی عقلانی و سیاست خارجی بر مبنای منافع ملی ایران باید باشد. سید جلال دهقانی فیروز آبادی نیز در «نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی» (۱۳۹۴) همگرایی را بازتاب قدرت و منافع می‌داند که نباید انتظار رفتار عادلانه را همیشه داشت. همگرایی دستخوش تغییر و تحول در طول زمان معنی پیدا می‌کند و به هیچ عنوان خشی و بی‌طرف نمی‌باشد. در کتاب «تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد» (۱۳۷۳) اثر سعید میرزایی ینگجه نیز در ابتدا حاکمیت را از نگاه افراد و حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سپس سازمان ملل متحد را خوش بینانه، بدبینانه و واقع بینانه بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد وجود قانون (بد یا ناقص) بهتر از نبود آن است. حسین کچویان در کتاب نظریه‌های جهانی شدن «پیامد چالش‌های فرهنگ و دین» (۱۳۸۹) اذعان می‌دارد برای پیدایی یک ساختار اجتماعی تازه تجمع افراد، گروه‌ها و اقوام در مکان-زمان جغرافیایی واحد شرط کافی و لازم نیست، بلکه لازمه آن ایجاد فضا-زمان اجتماعی واحد است که با منطقی اجتماعی، تعلق یا عدم تعلق را مشروط به فرد و گروهی خاص نمی‌کند. لذا ما با گسترش جهانی شدن با وضعیتی روبرو هستیم که قدرت و اجبار مادی در حال تبدیل به عامل نظم بخشی و سامان دهنده می‌باشد و طبیعی است که ناآرامی، آشوب، ستیز و خشونت وجه بارز و رو به رشد آن باشد. نویسنده پیدایش و ظهور یک نظم تازه اجتماعی، تاریخی که بتواند پدیده‌ها و رخدادها را درک نماید و از فرو پاشی نظم‌های اجتماعی موجود خبر دهد را واجب می‌داند. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام (۱۳۹۹) در مقاله «پیچیدگی سیاست خارجی در خاورمیانه، ارتقاء در نظم آشوب» نوشته محمد جواد عسکرخانی و همکاران از تعامل در فرصت‌ها و تهدیدات میان بازیگران در تحولات سیاسی و درک و مدیریت و تصمیم عقلانی در شرایط آشوب امروزه خاورمیانه می‌نویسد. ایشان شرایط بحران را فقط ایدئولوژیک نمی‌دانند، بلکه ریشه‌ای اکتسابی و ساختگی از دخالت بازیگران مختلف دولتی و غیر

دولتی می‌دانند و راه را در مذاکره، تعهدات منطقه‌ای، عدم دخالت در امور دیگران و جلوگیری از اختلافات جزئی و عادی عنوان می‌کنند.

چارچوب نظری مقاله

آشوب از بیرون تحریک می‌شود، اختلال بوجود می‌آید و آنگاه از داخل تشدید می‌شود و در این وضعیت هر اتفاق کوچک می‌تواند اثرات عمیقی داشته باشد. موجی کوتاه مانند بال زدن یک پروانه در یک مکان معین هر چند بظاهر بی اهمیت باعث ایجاد حرکتی پویا در سطحی نامشخص با بازخوردی به ظاهر نامشخص‌تر می‌شود. تعادل اگر نباشد، مدیریت اگر دو سویه نباشد، مقاومت خواهد بود و شروع یک آشوب را به همراه خواهد داشت. درک پیام تصویر و برداشت از خرد و کلان به علت تنوع در ارتباط با پیچیدگی‌ها و آشوب‌ها لازمه پیشرفت است.

پیچیدگی‌های عرصه سیاست براساس تئوری آشوب^۱ چندان شناخته شده نیست. پرشماری عوامل و عناصر تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر تصمیم‌ها و اقدامات سیاسی و ژئوپولیتیک باعث شده است برخی اندیشمندان مانند جیمز روزنا^۲ عصرجدید را عصر آشوب در سیاست جهان بنامند (اکوانی، موسی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۸۵). آشفتگی و آشوبناکی عرصه سیاست، پیچیدگی و صف‌ناپذیری به پدیده‌های سیاسی و ژئوپولیتیک بخشیده است. از این منظر، نظریه‌های پیچیدگی و مباحث مربوط به نظام‌های پویا و غیر خطی و آشوب‌گونه، امکان جدیدی برای شناخت پدیده‌های ژئوپلیتیک و فهم آنها فراهم کرده است. آشوب و آشوبناکی به سیستم‌هایی اشاره دارد که ضمن نشان دادن بی‌نظمی، حاوی نوعی نظم نهفته درون خود هستند و بیانگر رفتارهای نامنظم، و غیر خطی و پیش‌بینی‌ناپذیر و پیچیده‌اند. نظریه آشوب قائل به وجود یک الگوی نظم غایی در تمام این بی‌نظمی‌هاست (شورجه، ۱۳۹۳: ۱۹۱). نظریه آشوب با گذار از مفروض‌های نیوتنی و با تکیه بر مبناهای فیزیک کوانتومی این اصل را بیان می‌کند که در سیستمی پیچیده نمی‌توان گفت یک اتفاق دقیقاً دوبار تکرار خواهد شد، بلکه درست در نقطه مقابل در این گونه سیستم‌ها نظم و بی‌نظمی مکمل همدیگر هستند (Palacios, 2001, 69-70).

^۱. Chaos Theory

^۲. James N Rosenau

ادوارد لورنتس^۱ بنیانگذار تئوری آشوب که با نظریه وابستگی تحریک پذیر روی شرایط اولیه، در هواشناسی به نام «اثر پروانه‌ای» مشهور شده است؛ معتقد بر این استعاره است که حرکت بال پروانه و تکان هوا در امروز شهر پکن می‌تواند، در ترکیب با سایر عوامل، موجب دگرگونی‌های قابل توجه در قدرت باد و جریان‌ات سیستم‌های آب و هوایی سراسر دنیا، به طوفانی در ماه دیگر در نیویورک منجر شود. آشوب معانی متفاوتی دارد، برای گروهی رفتار بسیار پیچیده، درحالی که برای عده‌ای نیز تاثیر بال زدن یک پروانه را توضیح می‌دهد که چگونه دگرگونی‌های بسیار کوچک اولیه، می‌تواند بر سیستم‌های عظیم و پیچیده همچون الگوهای آب و هوایی و موارد دیگر مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی موثر واقع شوند (Gleick, 1978, 32).

جیمز روزنا از واعضان نظریه آشوب برای تشریح نظامی آشوبناک و دلایل این آشوب از گسترش فناوری‌های ارتباطات، تغییر در مهارت‌های تحلیلی افراد، افزایش و تعدد گروه‌ها، خرده گروه‌ها و بازیگران، کاهش اقتدار رهبران گروه‌های سیاسی، اجتماعی و تعدد نقش‌های افراد، برجسته‌تر از سایر مفاهیم، جهانی شدن اقتصادهای ملی و پیدایش روز افزون مسائل وابستگی متقابل، تجدید ساختار وفاداریها، گسترش گرسنگی و فقر در خاورمیانه می‌باشد. به باور روزنا، کنش و واکنش این متغیرها در تعامل با هم موجب شکل‌گیری نظمی درون بی‌نظمی در جهان کنونی می‌شود.

از نظر تاریخی تا قبل از آغاز و تشدید فرآیند جهانی‌شدن، حکومت و به طور کلی سیاست در محدوده ملی و تا حدود زیادی منحصر به نقش آفرینی دولت‌ها تعریف می‌شد. لیکن امروزه تأثیرات فراملی مانند پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و شرکت‌ها و سازمان‌های چند ملیتی نشان می‌دهد که حکومت‌ها دیگر نمی‌توانند وظیفه اداره جوامع پیچیده را به سبک قدیم ادامه دهند. لذا بازاندیشی در نقش، کار ویژه‌ها و مختصات مجموعه‌ای بزرگ از بخش خصوصی و عمومی به بازتاب اندیشه‌ای منجر شده که «حکمرانی» به تدریج جایگزین «حکومت» می‌شود (هی وود، ۱۳۹۶: ۱۲). ایده حکمرانی تنها در مورد دستگاه‌ها یا بازیگران نمی‌باشد، بلکه کیفیت عملکرد حکومت است که شاخص‌ها و ابعادسازی متفاوتی را تشریح می‌کند (مقیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

حاکمیت

^۱ . Edward Lorenz

^۲ . James Gleick

حکمرانی روش اعمال قدرت بین بخش‌های مختلف جامعه با منافع مختلف است، به گونه ای که آزادی‌های مرسوم فراهم شود. تجارت رونق گیرد، فرهنگ و هنرهای مختلف امکان رشد پیدا کنند. منابع و فرصت‌ها در دسترس همه باشد و ... لذا حکمرانی خوب باید منجر به نتایج اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دلخواه اکثریت شهروندان شود. ساختارها و روابط نهادی، نه فقط در درون دولت، بلکه بین دولت‌ها و سایر بخش‌های جامعه، می‌توانند تأثیری تعیین‌کننده روی پیامدها و نتایج داشته باشند (صانع، ۱۳۸۵: ۳۰۴). شاخص‌های حکمرانی خوب را می‌توان در حق اظهارنظر، پاسخگویی، ثبات سیاسی، اقتصادی، عدم خشونت، و کارآیی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات حاکمیت قانون و مشروعیت دانست. به تعبیر روسو: مقتدرترین فرد هم هیچگاه تا بدان حد قوی نیست که بتواند برای همیشه آقا و فرمانروا باشد مگر این که زور را به حق بدل کند و اطاعت را به وظیفه تبدیل نماید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۱۴). مشروعیت و میزان آن می‌تواند مبتنی بر دیدگاه الهی یا غیر آن باشد. برای نمونه: افلاطون مشروعیت حکومت را در تصدی فیلسوفان؛ ارسطو در رعایت مصالح و خیر عمومی؛ سیسرون (رومی) در قانونیت؛ سنت آگوستین در اجرای عدالت و امنیت و نظم تلقی می‌کردند. اندیشمندانی هم با برپا کردن یک سری قرار دادهای اجتماعی و شرایطی مانند توماس هابز، جان لاک، ژان ژاک روسو، مشروعیت را برای حکومت قائل بودند. ماکس وبر عوامل عقلان: قانون، سنت و کاریزما را معتقد است. در تفکر دموکراسی منشاء مشروعیت احترام به اکثریت و مشارکت عمومی (انتخابات) است (حاتمی، ۱۳۹۲: ۷۸-۳۴). لیکن علاوه بر نظریات فوق در ایران اسلامی با اعتقادات شیعه (عصر غیبت) مشروعیت حاکم تا حدود زیادی متفاوت است. عقلگرایی، اکثریت، قانون، انتخابات، مشارکت و ... در زیر سایه ولایت و البته با فهم و برداشت‌های متفاوت در نگاه علمای دینی معنایی دیگر پیدا می‌کند. فراموش نکنیم ایران در غرب آسیا یک کشور با ویژگی‌های خاص می‌باشد که از نظر زبان، مذهب، ملیت و هویت شبیه هیچ یک از کشورهای منطقه نیست به این معنی که دارای چالش کهن تنهایی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در ادوار مختلف می‌باشد. در نتیجه امکان اتحاد و ائتلاف سازی با کشورهای منطقه، برای ایران کمرنگ و در مقابل تصور اتحاد همسایگان بر علیه ایران محتمل است. تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، حکومت‌های ایران برای حل مشکل تنها بودن در منطقه به اتحاد با قدرت‌های جهانی مبادرت می‌کردند (حسن‌خانی، اخباری، حیدری، ۱۳۹۹: ۸۰). اما پس از انقلاب اسلامی بخصوص پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عملاً منطقه شاهد یک جنگ سرد نوین و ایجاد ائتلافی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد.

در جهانی شدن مرزها شیشه‌ای شد و دیگر اغلب دولتها به تنهایی نمی‌توانند کارکردهای خود را به انجام رسانند. لذا مشارکت با دیگران اجتناب ناپذیر شد. حکمران خوب به جای دخالت‌های بیش از حد باید در کنار بخش‌های دیگر به عنوان یک شریک حرکت کند. چرا که ضعف و قدرت بیش از حد تعادل را بر هم خواهد زد. ایجاد ارتباط عقلانی، تعادل و تفکیک وظایف و الزام به پاسخگویی به عملکردها امکان بهتر زیستن در یک جامعه مطلوب را فراهم خواهد ساخت. این تعادل زمانی امکان خواهد داشت که بازیگران و تصمیم‌گیرندگان منافع عمومی را بر منافع سازمانی و فردی ترجیح دهند. آشوب و بحران‌های بوجود آمده را عقلانی در زمانی مناسب مدیریت کنند، انتقال قدرت به هر دلیلی آرام در سطوح بالا انجام پذیرد، توانایی دولت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، داوری، عدالت و مدیریت کارآمد باشد. در تمامی مراحل بیان شده اقتدار و مشروعیت مهمترین رکن در جهت رابطه بین دولت- ملت و یک حکمرانی خوب می‌باشد، تا شکاف‌های طبقاتی، اقتدارگرایی، تنش و بحران، مهاجرت داخلی و فراملی، پیش‌بینی ناپذیری جامعه و فروپاشی و جمع شدن منابع قدرت و ثروت در اختیار فرد یا گروهی در جامعه با عدم مشارکت واقعی مردم، عدم تحرک اقتصادی در جامعه دیده نشود که حاصل آن شفافیت امور، پاسخگویی، حفظ قدرت رقابت، استمرار اصلاحات و پویایی در جامعه، کیفیت انجام امور به جای کمیت، کوچک کردن دولت و واگذاری نهادها و شرکت‌ها به بخش خصوصی، استفاده از سرمایه‌های خارجی در ایجاد زیرساخت‌ها، ارتقای سطح سواد و آگاهی، بهداشت، رفاه عمومی، حفظ محیط زیست، برابری حقوق اقلیت‌ها و زنان، دیده شدن و شنیده شدن صدای اقوام و قومیت‌های مختلف با هر زبان و مذهب و اعتقادی، کاهش بی‌ثباتی، فساد و رانت، بیکاری، بحران؛ مسلماً افزایش انسجام اجتماعی را خواهد داشت. در جهان پر آشوب کنونی نشانه‌های یک حاکمیت خوب تا حدودی مشخص است. امروزه که جهان را نه می‌توان گفت تک قطبی و نه چند قطبی، با پیشرفت علم و ارتباطات که نام «دهکده جهانی» بر این کره خاکی گذاشته شده، البته براین باوریم که دیگر «جهان دهکده» می‌باشد.

اگر بخواهیم جامعه مدنی توسعه یافته بر مبنای باورهای دینی و سنتی داشته باشیم، حکومت‌داری باید پارامترهایی همچون حاکمیت قانون، اصل تفکیک قوا، اصل نظارت و تعادل، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، کارآیی، کارآمدی، امنیت قضایی، ضمانت حقوق بنیادین، آزادی‌های اساسی مردم، استقرار نظام منطقی اقتصادی و اداری بر پایه مردم‌سالاری عقلانی و مشروعیت را در عمل و نه در حد شعار پیاده شود.

مورگنتا "منافع ملی را معیار و عنصر اصلی اقدام در سیاست خارجی و ارزیابی آن می‌داند و آنرا با قدرت پیوند می‌دهد و میزان قدرت ملی را تعیین کننده منافع ملی کشورها بیان می‌کند که در سیاست داخلی نیز تأثیرگذار است". به تعبیری منافع ملی یعنی دولت‌ها در یک برهه زمانی خاص در شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با اتخاذ سیاستی مشخص در پی رسیدن به اهداف خود در روابط با سایر کشورها قدم بردارند (مورگنتا، ۱۳۹۷: ۲۴-۱). در نتیجه سیاست خارجی که در جهت منافع ملی یک استراتژی با یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی برای دستیابی به اهدافی معین در محیط بین‌الملل است که از طرف دولت‌ها با ابتکار عمل در واکنش به یک کنش دولت دیگر است (هدایتی، ۱۳۹۳: ۸-۷). در این نظام هرج و مرج گونه بین‌المللی کشورها برای اثرگذاری و اثرپذیری لزوماً به تأسیس نهادهای جنگ، صلح و همکاری اقدام می‌کنند، تا بتوانند منزلت و جایگاه خود را در نظام حفظ و یا ارتقاء بخشند تا کاملترین شمای شکل‌گیری و ساختار قدرت را با یک سری قواعد جوهری خاص خود (مورتون کاپلان) بر روند عملکرد ساختار قدرت در محیط داخلی و خارجی آشکار سازد (سیف زاده، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۲۹۰).

هانریدر^{۱۳} سه هدف را «حفظ وضع مطلوب»، «نیل به وضع مطلوب» و «استقرار مجدد وضع مطلوب» را با ارجحیت به مقتضای زمان و هدف بیان می‌کند (سیف زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۰۲). اینکه دولتمردان چگونه تصمیم می‌گیرند و چه عواملی، تصمیم و اندیشه آنان را هدایت می‌کند بسیار پیچیده است. البته کشورهایی که دارای ساختارهای غنی اجتماعی، سیاسی، قدرت منطقی-سیاسی و قانون‌مداری هستند کمتر دچار آسیب می‌شوند، کشورهای در حال توسعه ساختارهای فوق را ندارند، یا ضعیف و یا بسیار ضعیف هستند (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۹).

یادآوری تفاوت بین حقوق انسانی و حقوق بشر، حقوق مدنی و جمعی شهروندان؛ حقوقی که با ابتکار انسان‌ها وضع شده و حقوقی که طبیعی و از خلقت آدم ضروری است. حقوق بشر از سیاست‌زدگی و مصلحت‌اندیشی دور است؛ نگاه ابزاری و در چنگال قدرت‌های بین‌المللی نیز آزاد بایستی باشد (نگهداری، ۱۳۹۴: ۱۴۰). در یک حکومت خوب حقوق بشر قابل تعطیلی نیست. در ضمن می‌دانیم که اساس قانون جمهوری اسلامی بر اهدافی مانند ایجاد وحدت میان مسلمانان، تبلیغ اسلام و افشای ماهیت استکبار جهانی، دفاع از حقوق و منافع مسلمین، نفی سلطه‌گری و

سلطه‌پذیری، حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، عدم روابط صلح‌آمیز با دولت‌های محارب، تقدم و ترجیح روابط با کشورهای اسلامی بر غیر اسلامی، عدم اتکاء به قدرت‌های جهانی که در سیاست نه شرقی و نه غربی تجلی نموده، دعوت به مبانی و ارزشهای توحیدی و مبارزه راهبردی با اسرائیل می‌باشد.

ایران با پانزده کشور همسایه روبروست که بیشتر آنها ضعیف و در حال رشد و البته با انواع بحران درگیر هستند. تاریخ نشان داده که ایران در دراز مدت به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی نتوانسته است با برخی از همسایگان خود در دراز مدت ائتلاف کند و با شرایط خاص، بیشتر این کشورها به ایران بدبین هستند و در قالبهای مختلف سیاسی مقابله می‌کنند. لذا جمهوری اسلامی مجبور است برای امنیت و رفع تهدیدات احتمالی و حفظ هویت ملی و سیاسی خود هزینه‌های فراوانی را متحمل شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به اوراسیا، سواحل طولانی در خلیج فارس و عمان و در اختیار داشتن تنگه هرمز و منافع عظیم انرژی و وابسته بودن به درآمد نفتی و رویکرد اصلی استفاده از انرژی در جهان، امروزه ایران چاره‌ای جز تعامل با دیگران ندارد.

بدون تردید یکی از مسائل جدی در سیاست خارجی، توجه به ایدئولوژی شیعه حاکم بر ایران است. ایدئولوژی را می‌توان به منزله ترجمان جهان بینی یک طبقه یا جامعه تلقی کرد. رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را امنیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد و با جنبش‌های اسلامی و مردمی برای تشکیل امت واحد جهانی رابطه برقرار کند (ستوده، ۱۳۸۶: ۹۶).

از این رو جمهوری اسلامی واحد تحلیل خود را جهانی و نه معطوف به مرزهای کشوری می‌داند زیرا ایده دولت واحد جهانی را رسالت خود می‌داند. به همین علت، جهان را در دو طبقه ظالم و مظلوم؛ مستکبر و مستضعف می‌بیند. توجیه دولت اسلامی دستیابی به اهداف کوتاه مدت نیست بلکه به دنبال راهبرد اتحاد مستضعفان در مقابل مستکبران است. استقرار جمهوری اسلامی ایران در زمان وجود ساختار دو قطبی بود که در آن زمان تمامی مشکلات ایران را ناشی از بیگانگان تصور می‌کردند.

براساس تفکر مورگنتا باید "بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد، تفکیک باشد، قواعد بازی در سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی متفاوت" است. بدون شک یکی از مسائل جدی در سیاست ایران حل و فصل موضوع غرب است. غرب فلسفی، علمی، سیاسی و جغرافیایی با هم متفاوت

است. ما به علت وابستگی به فروش منابع زیرزمینی و نیاز به واردات بسیاری از کالاهای ضروری در ابتدای امر در حوزه اقتصاد، تکنولوژی، فنی و علمی برای بهبود کیفیت و یک زندگی مطلوب و به نفع مردم و در جهت منافع ملی اولین قدم مسلماً اقتصادی و سپس سیاسی است. برای فهم آن نیز چاره‌ای جز گفت‌وگو و رفت و آمد فکری نداریم. امروزه امنیت بین کشورها به ارتباطات منطقی و قاعده‌مند بستگی دارد. برای سامان داخلی هم نیازمند یک ارتباط چندسویه کارآمد با محیط فرا داخلی کاملاً مشهود است. (رایت، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

جیمز روزنا، همانطور که ذکر شد، از تحولات وقوع یافته در سیاست جهان، با عنوان «آشوب در جهان سیاست» نام می‌برد. وی عوامل زمینه‌ساز بروز این آشوب را این‌گونه برمی‌شمارد: «ضرورت»، مادر اختراع است و زمانی ایجاد می‌شود که جامعه نیازی تحقق نیافته دارد. هنگامی می‌توان از بحران و آشوب صحبت کرد که اعضای جامعه تغییرات ساختاری‌ای را از سر بگذرانند که برای ادامه موجودیت آنها جنبه حیاتی داشته باشد و این احساس به آنها دست دهد که هویت اجتماعی آنان در معرض تهدید قرار دارد. اختلال در زمینه یکپارچه سازی نظام تنها زمانی موجودیت نظام را دستخوش خطر می‌کند که موضوع همبستگی اجتماعی در میان باشد، بشکلی که ساختارهای هنجاری چنان آسیب ببینند که جامعه به حالت بی‌هنجاری^۱ گرفتار شود (هابرماس، ۱۳۹۷: ۵۳). بحران زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که نیازی در آن حس می‌شود، صدایی شنیده نمی‌شود، افراد دیده نمی‌شوند، عده‌ای هستند، اما انگار نیستند. با اندکی توجه به اختراعات به این باور می‌رسیم که اکثر مخترعین در ابتدا مدل ابداعی آنها بسیار ضعیف و غیرقابل باور به نظر می‌رسید و بتدریج با صرف وقت و هزینه به تکامل بیشتری رسید. امروزه در جهان هر ساله اختراعات زیادی ثبت می‌شود ولی بسیار اندک از آنها به مرحله تکمیل و تولید و کاربردی راه پیدا می‌کند. جهان امروز بسیاری قوانین و دستوراتی بشکل دستوری یا غیردستوری جهت رفاه و آرامش انسانها نوشته و تصویب می‌شود ولی در همان حد بیشتر جلو نمی‌رود و هیچگاه در عمل مشاهده نمی‌شود.

جهانی شدن

پایان جنگ سرد بیانگر عصر جدیدی در موازنه قدرت جهانی بود که آثار آن هنوز هم طنین‌انداز

^۱. Anomic

است. عصر جهانی شدن همانگونه که برای عده‌ای امید و آینده را نوید داد، برای عده‌ای بیزاری و دشمنی را به ارمغان آورد. ظاهراً جهانی شدن در ابتدای کار فقط جنبه اقتصادی داشت، لیکن این سیل ویرانگر حق حاکمیت دولت‌ها را تهدید کرد. اقتصادهای کوچک ملی و منطقه‌ای را ویران کرد، فاصله طبقاتی در کشورها و حتی فاصله رفاه در کشورهای مختلف هر روز بیشتر شد؛ هویت، سنت، فرهنگ و ارزش‌های جوامع هدف، همراه با پیشرفت علم، صنعت و ارتباطات در معرض انواع تهاجم برای توسعه طلبی و قدرت طلبی بیشتر و مصرف کالاهایی که سود بیشتری داشت قرار گرفت. لذا باید قبول داشت که جهانی شدن تحمیل‌گر است (روزنا، ۱۳۷۸: مقاله دوم). بنابر عقیده منتقدان جهانی شدن «استعمار فرانو» (مشیری، ۱۳۹۵: ۱۱) بسیار ترسناک‌تر و منفی‌تر از استعمارهای قبلی در تجارت و توسعه ناموزون خود را نشان داد. بطور کلی شرایط آشوب در جهان، بالقوه ایجاد سازشی خلاق میان برابر نهادهای بزرگ سیاست-تعارض میان نظم و آزادی، میان اراده اکثریت و خودمختاری اقلیت‌ها، میان نیازهای فردی و رفاه اجتماعی، میان نوآوری در فناوری و تمامیت فرهنگی، میان رشد و ثبات و میان تغییر و تداوم است (روزنا، ۱۳۸۴: ۶۱۱).

آشوب زمانی رخ می‌دهد که تعداد زیادی اقدامات خُرد به ظاهر بی اهمیت منجر به نتایج کلانی شود که بیرون از کارکردهای نظام قرار گیرد که حاصل تعاملات خُرد و کلان است. سیاست‌های موجود مجال مانور را از حکومت‌ها گرفته است و اگر بحران‌های جهانی مانند بحران مرجعیت و اقتدار همچنان تنش‌ها را تشدید کنند، شاید حتی سیاست‌های جاافتاده را نتوان به راحتی حفظ نمود. ائتلاف‌های شکننده، جایجایی مکرر رأی دهندگان، رسوایی‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی مختلف، تشکیل کابینه‌های اقلیتی و به بن‌بست کشیدن سیاست‌های موجود دلیلی بر این نظرات می‌باشد. باید توجه داشت که اگر حاکمیتی در شرایط غیردموکراتیک قرار گیرد، خواه ناخواه بحران در ایدئولوژی و دستگاه مشروعیت را به همراه خواهد داشت، در حقیقت ایدئولوژی رقیب با بسیج افکار عمومی بتدریج بر گرد آن، در مقابل ایدئولوژی مسلط و ضعف مشروعیت حاکم حتی از نظر ایدئولوژی و مدیریت مسلط، پیوند نزدیکی با عدم کارآمدی دولت را نزد افکار عموم آشکارتر خواهد ساخت. امروزه معیار آزادی بیان، تحکیم دموکراسی و مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و کارآمدی و سودمندی بعنوان معیارهای حکومت خوب با اصل رضایت و مشروعیت مشخص شده و رضایت و مشروعیت میان جامعه و حکومت نوعی رابطه دو طرفه و در واقع لازم و ملزوم یکدیگر است (سیاحی، ۱۳۹۸: ۱۰۶).

تشدید آشوب را با عدم همبستگی، حل‌نازعه، تطبیق سازوکار جامعه و دولت با شرایط جدید، از دسترس دور بودن به آرمان‌ها و اهداف توزیع نامناسب قدرت، ثروت و افزایش تنش و کشمکش را مشاهده می‌کنیم. در عصر جدید فرآیندهای اقتصادی اساساً بنیادی سیاسی یافته‌اند و نظام سیاسی به عنوان حلقه پیوند حامیان نظام اقتصادی و جامعه عمل می‌کند. لازمه تداوم در کارکرد عمومی دولت، کنترل عقلانی سیستم اقتصادی، تداوم انباشت سرمایه، توزیع نسبتاً عادلانه منابع و جلب وفاداری و حمایت عامه برای نظام سیاسی (بروکر، ۱۳۸۳: ۱۷) در جهت منافع ملی است! در عین حال بحران همبستگی در طبقه حاکم و نخبگان یا پیدایش شکاف و چند دستگی از عوامل عمده تضعیف و فروپاشی حاکمیت‌ها و تشدید بحران مشروعیت موثر است و چاره‌ای جز قهر، سرکوب و استفاده از نیروهای امنیتی و نظامی برای جلوگیری از مخالفت و مقاومت در برابر خود ندارد. معمولاً در این شرایط احتمال ائتلاف جناح میانه‌رو یا آزادبخواه با مخالفان رژیم بسیار افزایش می‌یابد. نارضایتی‌ها، ضعف در سازوکارها در امور گوناگون، شیوع ایدئولوژی‌های ناکجاآبادی با انگیزه مخالف و هویت گم‌شده در گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن باعث افزایش شکاف در طبقات جامعه و حتی ساختار حاکمیت می‌گردد. امکانات و رفاه عمومی کاهش و به ازای آن، افزایش توقعات و انتظارات مردم را شاهد خواهیم بود. حکومت غیردموکراتیک (به معنای عام آن نه غربی) امروزه می‌تواند نظامی، حزبی یا شخصی باشد. متغیرهایی که باعث افزایش افراطی‌گری و آشوب گردید: الف) فروپاشی بلوک شرق، فروپاشی بزرگترین و آخرین امپراطوری خاورمیانه (عثمانی)؛ ب) پایان جنگ جهانی و مشکلات خرابی و ویرانی برای کشورهای درگیر جنگ و ایجاد و گسترش اتحادیه‌های ملی منطقه‌ای؛ ج) جهانی شدن، منفعت‌طلبی و عدم مشروعیت و توانایی کشورها در کنترل و اعمال حاکمیت‌ها را می‌توانیم بیان کنیم. بطور کلی آشوب و بی‌نظمی برفضای جهان امروز از چند بُعد داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (خلاء مشروعیت، استبداد، قدرت‌طلبی، نارضایتی، رانت و فساد و عدم پاسخگویی حاکمیت‌ها، هویت‌طلبی، ناحیه‌گرایی، قومیت‌گرایی، واگرایی، تجزیه طلبی، سرکوب و مبارزه، رقابت خصمانه، جنگ نیابتی، فراخوانی مناقشات، تقابلات ایدئولوژیک، پیوند استراتژیک با قدرت‌های فرا منطقه‌ای) در کنار سرکوب و کنترل مقطعی قابل بررسی است.

در این آشوب جهانی شدن، همانگونه که جوامع ملی انسجام و یکپارچگی خود را از دست داده‌اند، جامعه جهانی نیز به شدت ناهمگون، از هم گسیخته و سیال شده است. در عصر پیش از جهانی شدن و در هنگامه غلبه مدرنیته فرهنگ غرب بعنوان یک فرا روایت، فرهنگ غالب بود، اکنون در عصر

جهانی‌شدن، فرهنگ غرب تنها یک روایت در میان دیگر روایت‌ها می‌باشد. رژیم‌های غیرمشروع شالوده‌ای از دموکراسی، بی‌ثباتی، عدم توسعه اقتصادی و سیاسی همراه با تحریف البته تا حدی تناقض‌آمیز (نوعی استدلال اهریمنی) در حمایت از عملکرد خویش نیز دارند. ایران در پیامد همگرایی با فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون روبروست. طبیعی است که هنر یا بی‌هنری سیاست داخلی و خارجی در بهره‌گیری از فرصت‌ها و مدیریت تهدیدات می‌تواند بروز یابد. یادآوری این نکته ضروری است که بهره‌گیری از فرصت‌های همگرایی، بدون تردید نیازمند پیش شرط اساسی گذر از تنش‌های استراتژیک به سطح اختلاف سیاسی است، تا فشار بازیگران خارجی بر کشور کاهش یابد.

نتیجه

انقلاب اسلامی با تمسک به عنصر دین و نقش آن در سیاست، در سطح داخلی موضوع «استبداد» و در سطح بین‌المللی، «استعمار» را در جهان به چالش طلبید و با تفکر لیبرال دموکراسی و مظاهر غربی آن به مبارزه پرداخت. انقلاب اسلامی باعث سرنگونی و مشروعیت‌زدایی حکومت پادشاهی گردید، که تحت عنوان «صدور انقلاب» می‌توانست خطری برای حیات حکومت‌های منطقه باشد. چالش «ایران هراسی» نیز پا به عرصه ظهور گذاشت. غرب هم با تحریک به فرقه‌گرایی شیعه و ایران هراسی، و از طرفی صدور انقلاب، بیداری اسلامی و هلال شیعی ایران سعی در مدیریت وضع مورد علاقه در جهت منافع قدرت هژمون خود بوده و می‌باشد. در عصری که جنگ سرد با پیشرفت علم، فناوری، ارتباطات با شکل و ابعاد وسیع در عرصه فرهنگ، اقتصاد، سیاست مطرح شده و جهانی که در ذات خود آشوب و بی‌نظمی را در عین نظم در خود جای داده است؛ بازیگران و حاکمان علاوه بر رفاه عمومی موضوع هویت افراد را باید در نظر بگیرند. ایران اسلامی باید با مدیریت و برنامه‌ریزی‌های مسئولیت‌پذیر و واقع‌بینانه کوتاه مدت و بلند مدت در جهت آرامش داخلی جامعه با اتخاذ همگرایی کارآمد و عقلانی در سیاست خارجی کوشش نماید. بایستی برای رسیدن و توجه به نقاط مشترک در عین اعتقاد به مسائل هویتی و دینی در جهت صلح پایدار و دوری از تنش با کشورهای منطقه و جهان با رفع سوء تفاهم‌ها و بی‌اعتمادی‌ها بر اثر اجرای تصمیمات اشتباه گذشته و اولویت قرار دادن منافع ملی کشور با توجه به حق استقلال خود و دیگران قدم بردارد. تا از شدت ریشه‌های واگرایی که بعضی از آنها ریشه‌های تاریخی دارد کاهش یابد.

فهرست منابع:

- اکوانی، س. موسوی نژاد، س. (۱۳۹۲)، "نظریه آشوب: مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران"، پژوهشنامه علوم سیاسی. سال هشتم. بهار. شماره ۲.
- بروکر، پ. (۱۳۹۷). رژیم‌های غیر دموکراتیک (نظریه‌ها، سیاست و حکومت)، چاپ سوم. ترجمه: علیرضا سمیعی اصفهانی. تهران: کویر.
- جاوید، م. شاهمادی، ع. (۱۳۹۶). حقوق شهروندی در نظام قضایی، تهران: خرسندی.
- حاتمی، م. (۱۳۹۲). مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، چاپ دوم. تهران: مجد.
- حسن خانی، س. اخباری، م. حیدری، غ. (۱۳۹۹)، "راهکارهای پیشینه‌سازی قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوره گذار ژئوپلیتیکی در غرب آسیا"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. سال یازدهم، ویژه‌نامه زمستان، شماره ۴۵.
- رایت، ا. (۱۳۹۶)، طبقه، بحران و دولت، ترجمه: ناصر هادیان. فرزاد کلبعلی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- روزنا، ج. (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: روزنه.
- (۱۳۷۸)، "پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی‌شدن"، ترجمه: احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی. سال سیزدهم، شماره ۴.
- ستوده، م. (۱۳۸۹)، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ج. ا. ایران، قم: بوستان کتاب.
- سردار، ض. (۱۳۸۹)، آشنایی با آشوب، ترجمه: مهدی سجادی، تهران: سرای دانش.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۷۹)، سیاست خارجی ج. ا. ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سعید، و دیگران. (۱۳۸۹)، چالش‌های حقوق بشر، ترجمه: فروغ پوری‌اوری، تهران: آگاه.
- سیاحی، ح. (۱۳۹۸)، "تأثیر حکمرانی خوب بر جلب رضایت جامعه نسبت به حکومت"، ماهنامه بین‌المللی پژوهش ملل. آبان، دوره چهارم، شماره ۴۷.
- سیف زاده، ح. (۱۳۹۸)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالبهای فکری، چاپ سیزدهم. تهران: سمت.

- شورجه، م. (۱۳۹۳)، دیدگاه‌های نو در سیستم‌های شهری، ج ۱. تهران: مدیر امروز.
- صانعی، م. (۱۳۸۵)، "حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی"، ماهنامه تدبیر. شماره ۱۷۸.
- فکوھی، ن. (۱۳۷۸)، *خشونت سیاسی، نظریات مباحث، اشکال و راهکارها*، تهران: قطره.
- مشیری، م. (۱۳۹۵)، *اسلام و جهانی شدن*، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقیمي، س. اعلايه اردكاني، م. (۱۳۸۸)، *دولت الکترونیکی کلید حکمرانی خوب*، تهران: عترت نو.
- مورگنتا، ه. (۱۳۹۷)، *سیاست میان دولت‌ها (تلاش در راه قدرت و صلح)*، ترجمه: حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه.
- نگهداری، ب. (۱۳۹۴)، *پوزیتیویسم حقوقی و حقوق طبیعی (با مطالعه موردی قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران)*، تهران: مخاطب.
- واعظی، م. (۱۳۹۶)، *بحران‌های بین‌المللی: تحلیل نظری و مطالعه موردی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- هابرماس، ی. (۱۳۹۷)، *بحران مشروعیت*، چاپ سوم. ترجمه: جهانگیر معینی، تهران: گام نو.
- هانتینگتون، س. (۱۳۷۴)، "اقتدارگرایی و زوال مشروعیت"، *مجله فرهنگ و توسعه*، مرداد و شهریور ۷۴، شماره ۱۹.
- هی وود، ا. (۱۳۹۶)، *سیاست*، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: نی.

English Resources

James. "[National Book Awards - 1987](#)". *Chaos: Making a New Science*. National Book Foundation. Retrieved 28 May 2011: Penguin Books.

Washington: The word Bank, *Policy Research working* , Paper 2196, oktober.

Palacios, Soledad Alvarado (2001), *Théorie du chaos et vision politique* Birkbeck, University of London.